

مروجین دموکراسی امریکایی و فعالیت‌های آنها در داخل و خارج ایران*

نوشته ای که پیش رو دارید، در ادامه بحث فعالیت‌های اتحادیه های بین المللی کارگری است. گرچه بطور منطقی خواننده مقاله، بنا به موقعیت طبقاتی خود برداشتهای متفاوتی از آن خواهد داشت.

کسانی ممکن است با درکی کاملا سیاسی، نوشته را در حد یک افشاگری در مورد پاره ای از سازمانهای ساخته و پرداخته امریکا ارزیابی کنند. دسته ای امکان دارد برداشتی ضد امریکایی و ضد امپریالیستی از آن داشته باشند. شاید کسانی این نوشته را گامی در جهت شناختن نهاد های امریکایی برای پاکیزگی جنبش های اعتراضی در ایران ارزیابی کنند، و یا حتی ممکن است اطلاعات این نوشته از سوی جناحهایی از رژیم اسلامی سرمایه، علیه جناحهای دیگران و بطور کلی علیه مخالفینشان بکار گرفته شود. هدف نوشته اما، چیزی کاملا سواى برداشتهای معمول و سیاسی است. مقاله تلاش میکند نشان دهد که علیرغم رقابتهای بیرحمانه بین سرمایه، جنگ و کشتار، و انواع سیاستهای پشت پرده، همه طبقات دارا، دشمن قسم خورده طبقه کارگرند. آنها چه در شرایط صلح، چه در شرایط جنگی، چه در دوران رونق و چه در دوران بحران، به تشدید استثمار طبقه کارگر می اندیشند. چه سرمایه امریکایی در زیر نقاب دموکراسی و چه سرمایه ایرانی در لباس اسلامی، ملی و ضد امپریالیستی، همه و همه چشم به ارزش اضافی طبقه کارگر دارند و دعوی امروز و فردایشان بر سر سهم و نحوه تقسیم آن دور میزند. همه تلاش و تقای نمایندگان سیاسی سرمایه و دلالان رنگارنگ آنان برای خفه کردن مبارزه طبقاتی و راندن طبقه کارگر به موقعیت بردگان خاموش میباشد. از اینرو طبقه کارگر و خصوصا کارگران آگاه باید خود را به دانش طبقاتی مجهز سازند، دوست و دشمن را بدرستی تشخیص داده و اجازه ندهند سیاستمداران رنگارنگ، توده های کارگر را به سیاهی لشکر و بدتر از آن به سربازان پیاده نظام خود در رقابتهای بیرحمانه شان تبدیل سازند.

با نگاهی به رسانه های نوشتاری، تصویری، و صوتی هر چند سطحی و گذرا میتوان دریافت که دولت بوش با اسم رمز دموکراسی یک جنگ صلیبی اعلام شده ای را علیه طبقه کارگر جهانی به پیش میبرد. این جنگ باید از راههای مختلف از قبیل گروگان گیری اقتصادی، فشار های دیپلماتیک و اقناع سیاسی و در صورت ناکامی این شگرد ها نهایتا از راه جنگ دنبال شود. این منطق سرمایه های نفتی، تسلیحاتی و بخشهایی از سرمایه است که برای بیرون راندن رقبای خود در بازار جهانی به هر شیوه ای متوسل میشود تا از هم اکنون بحرانهای خود را بر دوش طبقه کارگر جهانی انداخته و این طبقه را کاملا از رمق بیندازد.

در یکسال گذشته رسانه های بورژوازی بیشترین توجه خود را به ایران و فعالیت‌های هسته ای آن معطوف ساختند. جنگ حزب الله و اسراییل، نفوذ اقتصادی، سیاسی ایران در عراق و مناسبات

رقابت آمیز امریکا با رژیم ایران بر سر نفت زمینه های تبلیغاتی این رسانه را تشکیل داد. از نظر این رسانه ها، با دستیابی ایران به سلاح اتمی امنیت خاورمیانه و نهایتاً دنیا به خطر خواهد افتاد تا جاییکه بنگاه خیرپراکنی نظیر بی بی سی، که با معیار های خبرنگاری بورژوازی در مقایسه با بی بی سی آمریکا، رسانه ای لیبرال محسوب میشود، یکسال قبل فیلم مستندی را با عنوان "آیا اسرائیل ایران را بمباران خواهد کرد"، به نمایش گذاشت که ساخت اسرائیل بود. (۱)

جای تعجب نیست که رسانه های رسمی انگلیس برای تایید سیاستهای دولت حاکم از همان سلاح " مبارزه علیه تروریسم" استفاده کنند. در این رسانه ها مساله اسرائیل و مسئولیت امریکا برای حفظ موقعیت این کشور در خاورمیانه یکی از محور های اساسی بوده است. اظهارات گاه و بیگاه و شعار های انحرافی بعضی از نمایندگان بورژوازی ایران نیز خود یکی از مواردی بود که زمینه های تبلیغات وسیعتری را برای این دسته از رسانه ها فراهم مینمود. جالب توجه است که این نوع اظهار نظرات نه تنها نمایندگان سیاسی حاکم امریکا و اسرائیل را نگران نمیساخت، بلکه موقعیت بهتری را برای پیشبرد سیاستهای آنان فراهم میساخت زیرا ارتجاع قطب مخالف ارتجاعی خود را بهتر تغذیه میکند.

در مقابل این رسانه های رسمی، رسانه های آلترناتیو که بدرجات مختلفی با سیاستهای خارجی امریکا مخالفت دارند، بیشترین تمرکز افشاگرانه خود را بر روی اسرائیل این قانون شکن ترین دولت خاورمیانه متمرکز نمودند، دولتی که بار ها و بار ها قطعنامه های سازمان ملل متحد، که برای تنظیم روابط همین دولتها و محافظین نظم موجودند، را با قلداری نقض نموده است. (الف)

خاتمی در دو دوره ریاست جمهوری اش، با شعار محوری " گفتگوی تمدن ها " خدمت بزرگی به سرمایه جهانی و سرمایه بومی ایران نمود. در این دوره، هم تضمینهای کافی برای سرمایه جهانی داده شد و هم نمایندگان سیاسی بورژوازی ایران از طریق احزاب و تشکیلاتهای مختلف خود را منسجم تر نمود. ناگفته نماند که گرایشات راست جنبشهای اجتماعی اعتراضی نیز در این دوره از رقابتهای بین جناحهای مختلف سرمایه در ایران بهره برده و خود را منسجم نمودند و بهمین خاطر نهاد های غیرانتفاعی این دسته از گرایشات بحق نتایج آن را دستاورد دوران اصلاحات مینامند.

انتخابات سال ۲۰۰۵ در ایران به نوعی با " تایید جهانی" روبرو گردید(۵)، زیرا از نظر سرمایه جهانی، ایران دورانی را طی نمود که در آن با دسته بندی سرمایه داران در احزاب و سازمانها راه رقابت سرمایه ها هموار گردید. این از نظر سرمایه جهانی امری مثبت بود، چرا که همین رقابت آزاد راه را برای تعدد سرمایه ها و تعدد مالکیت باز مینمود و تقدس سرمایه را به باور همگان تبدیل مینمود. اما نتایج انتخابات و خصوصاً نتایج انتخابات ریاست جمهوری که با پشتیبانی نظامیان (سپاه پاسدارن) منجر به قدرت گیری احمدی نژاد گردید، سرمایه جهانی را در برخورد به ایران به پیش گرفتن سیاستی متفاوت واداشت.

همانطور که اشاره کردیم، بورژوازی جهانی در رقابت با سایر سرمایه ها بر سر سهم بیشتر از ارزش اضافی طبقه کارگر به شیوه ها و راه حل های مختلف دست برده و از ابزار های عدیده ای بهره میبرد. یکی از ابزار هایی که اکنون مورد توجه سرمایه قرار گرفته، دموکراسی است. در دهه ۸۰ قرن گذشته که به ریگانیسم و تاچریسم شهرت یافت، سرمایه امریکایی سازمانهایی

غیر انتفاعی را به وجود آورد که از طریق آنها منفعت خود را در سطح جهانی تعقیب نماید. یکی از این ابزارها نهادی به نام "اهدای ملی برای دموکراسی" است.

این نهاد اولین تجربه کاری خود را در نیکاراگوئه به آزمایش گذاشت و با صرف میلیون ها دلار، کنترراها را علیه ساندنیستها بسیج نمود که بعد ها رسوایی بزرگ سیاسی ببار آورد. پروفیسور ویلیام ای. رابینسون اولین محقق بود که توجه جهانیان را به دخالت اهدای ملی برای دموکراسی در نیکاراگوئه جلب نمود. رابینسون در ادامه کار خود مقالات متعددی در زمینه دخالت این نهاد در هاییتی، فیلیپین و شیلی نوشت. رابینسون در نتیجه کار تحقیقی خود به این نتیجه رسید که موفقیت سرمایه بین المللی را باید در سایه ترکیبی از باجگیری اقتصادی، دیپلماسی قهرآمیز، فشار های بین المللی (۲) و تهاجم نظامی درک نمود.

باوجود اینکه مجموع فعالیت های این نهاد و سازمان های نظیر آن آگاهانه و یا ناآگاهانه از چشم رسانه ها دور میماند، کودتای سال ۲۰۰۲ از سوی طرفداران سرمایه های امریکایی در ونزوئلا که توسط مقاومت مردم این کشور به شکست کشانده شد، بار دیگر فعالیت های مداخله گرانه اهدای ملی برای دموکراسی را در انظار جهانیان به نمایش گذاشت. تحقیقات دکتر بیکر نشان داد که این نهاد در مسایل مربوط به صربستان و "انقلابات مخملی" در اروپای شرقی نقش عمده ای ایفا کرده است. (۳) این نهاد نه تنها برای خود امریکاییان، بلکه حتی برای بخش وسیعی از جهانیان نیز سازمانی ناشناخته و یا کمتر شناخته شده است. به همین خاطر، طبقه کارگر باید با این تشکل، که با شگرد های بسیار پیچیده ای کار میکند آشنا شود و اهداف آن را که برای ضربه زدن به مبارزه طبقاتی ایجاد شده است بخوبی بشناسد. در ضمن باید تاکید کرد که طرفداری از دموکراسی که اهداف طبقاتی بورژوازی و خرده بورژوازی را تامین میکند، یک پدیده بین المللی است که مشروعیت خود را از حامیان بین المللی زیادی کسب میکند. (۴)

در اواخر دور دوم ریاست جمهوری خاتمی، در سال ۲۰۰۴، دو تن از سناتور های جمهوریخواه بنامهای ریک سنتوروم و جان کورنین لایحه ای به سنای امریکا تقدیم کردند و در ضمن آن خواهان تغییر رژیم و ایجاد دموکراسی در ایران شدند. (۶) این لایحه باوجود آنکه درسنا طرح گردید، اما به تصویب نرسید. پس از انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری موقعیت برای فشار دیپلماتیک به رژیم اسلامی سرمایه مهیاتر شد. به همین خاطر کاندولیزا رایس رسماً از کنگره درخواست ۸۵ میلیون دلار "برای آزادی و حمایت از مردم ایران" را نمود. باید تاکید نمود که حتی قبل از تخصیص چنین مبلغی، اهدای ملی برای دموکراسی، کار خود را در رابطه با ایران شروع کرده بود. بر اساس اطلاعات مربوط به پروژه ایران، پنج گروه ایرانی قبل از سال ۲۰۰۴ از کمکهای مالی این نهاد برخوردار شده اند. این پنج گروه عبارت بودند از: "انجمن معلمان ایران"، "بنیاد برای دموکراسی در ایران"، "فراگیری مشارکتی زنان"، "شورای ملی ایرانی امریکایی" و "بنیاد عبدالرحمان برومن" د. (۷) قبل از پرداختن به این گروهها باید تاکید کرد که این کمکها نه برای همه آدمهایی که ممکن است با این گروهها روابطی داشته باشند، بلکه به عناصر مشخصی که عملاً فعالانه در جهت سیاستهای این نهاد عمل میکنند پرداخت شده است.

"انجمن معلمان ایران" اولین گروهی بودند که از کمکهای مالی اهدای ملی برای دموکراسی برخوردار شدند. این گروه بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ هفت بار کمک مالی دریافت کرد. این

کمکها به مبلغی بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ دلار میرسد که بخش اعظم آن صرف راه اندازی فصلنامه سیاسی- اجتماعی مهرگان گردیده است. در این فصلنامه به مقالات مختلفی از استادان دانشگاه ایرانی در خارج و داخل ایران برمیخوریم. این انجمن منشوری دارد که به امضای بیش از ۲۰۰ استاد دانشگاه ایرانی رسیده است. اغلب این افراد در دانشگاههای امریکا، کانادا، انگلستان و آلمان مشغول بکارند. این انجمن هدف خود را برگزاری مجلس موسسان و ساختن ایرانی صنعتی و آزاد تعریف میکند. همین "مجلس موسسان" و "ایران صنعتی" محرکی برای استادان چپ ایرانی بوده که به عنوان موسسین انجمن، امضای خود را پای چنین منشوری بگذارند. کسانی که بخواهند از چند و چون فعالیتهای این انجمن اطلاعات بیشتری کسب کنند میتوانند به سایت مهرگان رجوع کنند. شماره های مختلف این فصلنامه از ۲۷ نوامبر ۲۰۰۲ تا ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۴ هنوز در دسترس است. آخرین شماره این نشریه مربوط به زمستان ۱۳۸۲ به تاریخ ایرانی است. در انتهای منشور محمد درخشش آنرا به عنوان بنیانگذار امضا نموده است. (ب) این انجمن در سال ۱۹۹۲ از بنیاد محافظه کار برادلی مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار دریافت نمود. (۸) متأسفانه اکنون بخاطر بسته بودن سایت اینترنتی انجمن نمیتوان اطلاعاتی در این زمینه کسب نمود.

دومین سازمان مستقر در امریکا، "بنیاد برای دموکراسی در ایران" است که در سال ۱۹۹۵ توسط کنت تیمرمن، پیتر رادمن و جاشوا مور اوچیک به همراهی ایرانیان خارج از کشور ایجاد گردید. (۹) این سازمان اولین کمک مالی خود را به مبلغ ۵۰۰۰۰ دلار در سال ۱۹۹۵ دریافت کرد. وظیفه اصلی این سازمان تهیه گزارش از موارد نقض حقوق بشر در ایران است. این بنیاد سال بعد دومین کمک خود را به مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار دریافت نمود. اغلب گزارشات این گروه از سوی رادیو های بین المللی نظیر صدای امریکا و بی.بی.سی. به زبانهای فارسی و انگلیسی پخش میگردد. (۱۰) این بنیاد در جریان کار خود مرتباً انسجام یافته تا جاییکه اینان پیش بینی کرده اند که رژیم ایران در ۲۰ مارس امسال دست به یک آزمایش هسته ای ناشناخته خواهد زد. (۱۱) تیمرمن بنیانگذار این بنیاد با دست راستی ترین متفکرین نهاد های امریکایی رابطه ای تنگاتنگ دارد. رادمن نیز همان کسی است که نامه مشهور پروژه برای قرن جدید امریکایی را امضا و برای کلینتون فرستاده بود. (۱۲) در این نامه رادمن به روشنی نشان میدهد که قرن بیست و یکم متعلق به سرمایه های امریکایی است و از این پس باید همه دنیا در بست در اختیار امریکا قرار گیرد. این نهاد رسماً پشتیبانی خود را از اپوزیسیون راست ایران اعلام نموده است. (۱۳)

یکی دیگر از این سازمانها، "شورای ملی ایرانی امریکایی" است که کار خود را در سال ۲۰۰۲ شروع کرد. این شورا در همان سال ۲۵۰۰۰ دلار از اهدای ملی برای دموکراسی کمک مالی دریافت نمود. هدف از ایجاد این شورا تشویق ایرانیان برای فعال شدن در زمینه های سیاسی و اجتماعی در امریکاست. این شورا با برگزاری یک سمینار دو روزه، پنج گروه مدنی را در ایران با دموکراسی و ملزومات آن آشنا ساخته اند. (۱۴) همین شورا در ژوئیه ۲۰۰۵ دفتر پروژه های رسانه های ایرانی امریکایی را افتتاح نمود. هدف از این پروژه دسترسی رسانه های امریکایی به بهترین اطلاعات در رابطه با ایران است. (۱۵)

یکی از موضوعات جالب توجه این شورا، تلاش برای ایجاد اعتبار و حیثیت برای رییس آن ، دکتر تریتا پاریس بود. وی تز دکترای خود را در مورد ایران- اسرائیل نوشته است. این تز به

کمک فرانسس فوکویاما و زیگنیو برژینسکی نوشته شده است. (۱۶) شورا برای هموار کردن همکاریهای بین ایرانیان و گروه های مدنی بین المللی در سال ۲۰۰۵، شصت و پنج هزار دلار از اهدای ملی برای دموکراسی دریافت نمود. بخشی از این کمک به استخدام یک نفر فارسی زبان اختصاص یافت. وظیفه این شخص، دادن مشاوره به افراد و گروههایی است که خواهان ارتباط با اهدای ملی برای دموکراسی هستند. یکی از موضوعات جنجال برانگیز این شورا درگیری با حسن نمازی از حامیان حزب دموکرات امریکا بود. وی که مسئول "کمیته عمل سیاسی ایرانی امریکایی" است، علیه آریو. بی پیروزنیا اقامه دعوا نموده و خواهان ۱۰ میلیون خسارت شده بود. اختلاف این دو ایرانی بر اثر رقابتهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در رابطه با ایران درگرفت. پیروزنیا که مسئول "کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی" است، تلاشهای نمازی را برای آشتی دادن بین رژیم اسلامی سرمایه و دولت امریکا، فاش نموده بود. پیروزنیا (۱۷) چند بار، خصوصاً عید نوروز که جرج بوش حمایت خود را از ایرانیان اعلام نموده است، نامه هایی چاپلوسانه برای وی فرستاده است. این نامه ها را میتوان در سایت "کمیته هماهنگی جنبش دانشجویان برای دموکراسی" دید. این کمیته در ابتدای شکل گیری خود تلاش فراوانی میکرد که اطلاعیه هایش را به مخالفین رژیم در خارج از کشور برساند و از این طریق شبکه ای از مخالفین رژیم ایران را سازمان دهد.

بنا به گفته مسئول کمپین انتخاباتی جان کری، حسن نمازی آدم بانفوذی است. وی از سال ۲۰۰۳ عضو معتمدین جامعه آسیایی است. (۱۸) جامعه آسیایی توسط جان دی. راکفلر برای برقراری رابطه نزدیک بین امریکائیان و آسیاییها ایجاد شده است. به علاوه رئیس قبلی این نهاد، ریچارد هولبروک (۱۹) در هیئت مدیره اهدای ملی برای دموکراسی عضویت دارد. هدف این شورا ایجاد روابط حسنه بین ایران و امریکا است (۲۰) روسای این شورا عبارتند از: جودیث کیپر، رئیس اجرایی فوروم به شدت دست راستی خاورمیانه) شیرین هانتر (رئیس مطالعات اسلامی مرکز استراتژیک و مطالعات بین المللی) و دیوید ج. لسار (رئیس ومديرهالیپورتن) (۲۱)

گروه سوم که از کمکهای مالی اهدای ملی برای دموکراسی برخوردار شده است، "مشارکت فراگیری زنان" بوده است. این نهاد در سال دو هزار و سه صد و پنجاه دلار دریافت نموده است. هدف اولیه این نهاد کار با "انستیتوی فراگیری افغانی" برای ایجاد و توسعه یک مرکز فراگیری اینترنتی از راه دور بوده است. این نهاد تنها محدود به افغانها نبوده بلکه همه فارسی زبانان را شامل میشود. هدف اساسی این نهاد، توجه به حقوق زنان و پشتیبانی از دموکراسی بوده است. این نهاد توسط وزیر سابق امور زنان در ایران خانم مهناز افخمی در نیمه ۱۹۹۰ ایجاد گردید. وی اکنون در امریکا زندگی میکند و استاد دانشگاه است. این نهاد خود را به عنوان یک مرکز گسترش ارتباطات معرفی نموده و بیشترین موضوع کار آن زنان در کشور های اسلامی است. (۲۲) خانم افخمی اکنون مدیر عامل "بنیاد مطالعات ایران" است و در گذشته ریاست "انستیتوی خواهری جهانی" را به عهده داشت. (۲۳) وی در کنگره های جهانی زنان در کشور های چین و بانکوک به عنوان یک فمینیست مشهور حضور داشت. در این کنگره تا کنون فعالین سیاسی چپ ایران نیز حضور یافته اند. این سازمان نیز در سال ۱۹۹۵ یک کمک مالی از "اهدای ملی برای دموکراسی" دریافت کرده است. اینان در سال ۲۰۰۶ کمکی به مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار از بنیاد برادلی برای برگزاری سمینار هایی در تهران دریافت نمودند. این کمکها تحت نظارت خانم

آذر نفیسی نویسنده و استاد دانشگاه جونز هاپکینز و معتمد" بنیاد مطالعات ایران" خرج گردیده است. (۲۴)

خانم افخمی با تعدادی از سازمانهای غیرانتفاعی جهانی منجمله "جنبش جهانی برای دموکراسی و بودجه جهانی" برای زنان کار کرده است. (۲۵) هر دوی این سازمانها به لحاظ ایدئولوژیکی به "اهدای ملی برای دموکراسی" مربوط هستند. سازمان دوم، خود توسط "اهدای ملی برای دموکراسی" ایجاد گردیده است و بطور غیرمستقیم روابطی با سازمان ملل متحد دارد. (۲۶) خانم پروفیسور یعقوبی یکی از روسای "بودجه جهانی برای زنان"، برنده جایزه معتبر اهدای ملی برای دموکراسی است. (۲۷) وی یکی از موسسین و مدیران عامل "انستیتوی آموزشی افغانستان" میباشد. به علاوه ایشان نایب رئیس "بنیاد ایجاد امید بین المللی" است. وی مدتها در کنار بستی امین-ارسالا همسر معاون رئیس جمهور افغانستان و هدایت امین(پ) کار کرده است. (۲۸) (۲۹) کسانی که مسایل ایران را به دقت تعقیب میکنند، در رابطه با فعالیت این سازمان شاهد بوده اند که چگونه در کشور های اروپایی و امریکای شمالی فمینیستهای دواتشه برای خانم شیرین عبادی گاهها با حضور سفرای ایران و گاهها بدون حضور این افراد، د فرس قرمز پهن کردند و درجه دکترای افتخاری تقدیم نمودند.

آخرین گروهی که قبل از سال ۲۰۰۴ از کمکهای سخاوتمندانه اهدای ملی برای دموکراسی برخوردار شده است، "بنیاد عبدالرحمان برومند" میباشد. این گروه نیز سازمانی غیرانتفاعی است که به ترویج دموکراسی و حقوق بشر در ایران میپردازد. این بنیاد در سال ۲۰۰۱ توسط لادن و رویا برومند دختران عبدالرحمان ایجاد گردیده است. آقای برومند وکیل ایرانی و فعال دموکراسی بود که در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ در پاریس توسط ماموران جمهوری اسلامی کشته شد. (۳۰) این بنیاد اولین کمک مالی خود را به مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۲ دریافت نمود و کار خود را با ایجاد سایتی اینترنتی در دفاع از حقوق بشر شروع نمود. سپس در سال دوهزار و سه ۳۰۰۰۰ دلار دیگر دریافت نمود تا به گسترش فعالیت سایت خود بپردازد. یکسال بعد یک قلم کمک مالی به مبلغ ۱۳۵۰۰۰ دلار دریافت نمود. بنیاد برومند در تداوم فعالیت خود برای پروژه ای تحت عنوان گذار به دموکراسی در ایران از سوی "بنیاد اسمیت ریچاردسون" یکی از محافظه کاران مشهور امریکا مبلغ ۱۵۰۰۰۰ دلار دریافت نمود. خانم لادن در فروم بین المللی برای فعالیتهای دموکراتیک عضویت دارد. (۳۱) کسانی که در خارج از کشور فعالیتهای فعالین حقوق بشری ایرانی را تعقیب کرده باشند، بدرستی میدانند که اینان در هر کشوری بخشی از عناصر نادم رژیم اسلامی را مورد مهر و محبت قرار داده و جلساتی برای این دسته از آدمها سازمان میدهند.

فعالیت های "اهدای ملی برای دموکراسی" بعد از ۲۰۰۴

از سال ۲۰۰۴ پنج گروه دیگر از کمکهای مادی و معنوی اهدای ملی برای دموکراسی برخوردار شده اند. این نهادها و سازمانها عبارتند از: "صدا های ضروری مشارکت جهانی"، "انستیتوی روابط جهانی"، "مرکز همبستگی بین المللی کارگری"، "مرکز مسایل خصوصی بین المللی" و "انستیتوی جمهوری بین المللی".

"صداهای ضروری مشارکت جهانی" در سال ۲۰۰۴ با دریافت ۴۰۵۰۰ دلار سمیناری را در واشنگتن برای زنان ایرانی سازمان داد تا از این طریق به تربیت زنان رهبر ایرانی بپردازد تا این دسته از زنان نیز به نوبه خود به ارتقای موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان ایرانی در داخل بپردازند. سه رئیس افتخاری این سازمان هیلاری کلینتون (زن رئیس جمهور سابق آمریکا و کاندید ریاست جمهوری برای سال ۲۰۰۸ آمریکا) و دو سناتور کی هاتچیسون و ننسی بیکر از حزب جمهوریخواه هستند. (۳۲) در همان سال همین نهاد یک کمک مالی دیگر به مبلغ ۵۶۰۰۰ دلار دریافت نمود و جلسه مناظره اصلاحات در ایران را سازمان داد.

"انستیتوی روابط جهانی" یک سازمان غیرانتفاعی است که هدف خود را درک مسایل بین المللی و حل اختلافات از راه صلح و گفتگو تعریف میکند. این انستیتو در سال ۲۰۰۵ با دریافت کمکی به مبلغ ۴۵۸۰۰ دلار به سازمان دادن جلساتی پرداخت که در آنها موضوع اصلی، اصلاحات قضایی در ایران بود. این انستیتو به کمک خبرگان ایرانی دست به یکسری کارهای تحقیقی زد که از طریق آنها بتوانند پیشنهادهایی برای تغییراتی در سیستم قضایی ایران ارائه دهد. دکتر هراچ گریگوریان رئیس فعلی این سازمان میباشد. این انستیتو رابطه نزدیکی با "انستیتوی صلح آمریکا" دارد. (۳۳) این انستیتو برای خیلی ها ناآشناست. این نهاد در سال ۱۹۸۴ همزمان با شکل گیری اهدای ملی برای دموکراسی، از سوی سنای آمریکا ایجاد شده است. (۳۴) رئیس اهدای ملی برای دموکراسی بارها مقالات خود را در مجله "انستیتوی صلح آمریکا" به چاپ رسانده است. به علاوه آلن وینستن و اورون کیرک پاتریک شوهر یکی از بنیانگذاران این نهاد و یکی از مدیران اجرایی اهدای ملی برای دموکراسی با "انستیتوی روابط جهانی" رابطه نزدیک دارد. (۳۵)

"مرکز امریکایی برای همبستگی بین المللی کارگری" مشهور به "مرکز همبستگی" در سال ۲۰۰۵ مبلغ ۱۸۵۰۰۰ دلار از اهدای ملی برای دموکراسی دریافت نمود. این پول میبایست برای حمایت و پشتیبانی از یک "جنبش مستقل کارگری" در ایران بکار گرفته شود. برای شناخت نوع گروههای کارگری که با مرکز همبستگی همکاری میکنند، بهتر است به فعالیت "اهدای ملی برای دموکراسی" در ونزویلا توجه شود. این نهاد میلیونها دلار در این کشور خرج نمود و با خریدن بخشی از رهبران اتحادیه نفت و مدیران این صنعت، کارگران را ماهها در اعتصاب نگه داشت تا از این طریق زمینه کودتا علیه دولت چاوز فراهم گردد. (۳۶)

در رابطه با فعالیتهای اخیر مرکز همبستگی، در ایران اهدای ملی برای دموکراسی اشاره میکند که این پول باید صرف برگزاری سمینارهای بین المللی شود که در آن رهبران کارگران ایران مهارتهای لازم را برای ایجاد اتحادیه ها کسب و از تجربیات سایر اتحادیه ها بهره مند شوند. اهدای ملی برای دموکراسی در این زمینه تاکید میکند که این جلسات باید محرمانه بوده و هویت شرکت کنندگان کاملاً محفوظ بماند. در این جا لازم است تاکید شود که همین امروز در خود آمریکا فدراسیون کار آمریکا کمتر از ۱۰ درصد کارگران را در اتحادیه های وابسته به خود دارد. این فدراسیون یکی از منفورترین اتحادیه های جهان بوده و از بدو شکل گیری خود در خدمت سرمایه داران آمریکا و در همکاری با سازمانهای جاسوسی امریکایی بوده است. این فدراسیون خود به عنوان یکی از ابزارهای سرمایه به نفع سرمایه داری آمریکا و در ضدیت با طبقه کارگر جهانی عمل نموده است. این مرکز در رابطه با عراق بیش از ایران سخاوتمندانه عمل کرده است. مرکز همبستگی در همان سالهای اول سرنگونی رژیم صدام بیش از یک میلیون دلار برای ساختن اتحادیه های کارگری به کمک فعالین کهنه کار حزب شیوعی (حزب توده

عراقی) صرف نمود. اگر سرمایه دلال متکی به نفت عراق با دیکتاتوری عریان خود طبقه کارگر عراق را کارمندان دولت نامید، سرمایه های امریکایی طبقه کارگر عراق را حتی به لحاظ فیزیکی منهدم نمود تا دهه ها مبارزه طبقاتی در این کشور زیر آوار های خشونت وحشیگرانه و جنگهای مذهبی و نفرت ملی مدفون گردد.

" مرکز مسایل خصوصی بین المللی" بیشترین کارش را با گروههای طرفدار "حقوق بشر" ایرانی پیش میبرد. این دسته از مدافعین حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۰۵ جلسه ای در دوبی داشتند که در آنجا این دسته از آدمها با روشهای غیرخشونت آمیز در مبارزه با رژیم ایران آشنا شده اند. بر طبق گزارش یکی از شرکت کنندگان در این جلسه، این جلسات از سوی بعضی از ایرانیان مقیم لوس آنجلس، امریکاییها و چند صرب ترتیب و اداره میشده است. در این جلسات صربها از تجربیات خود در رابطه با سرنگون ساختن حکومت میلوسویچ (۳۸) برای طرفداران حقوق بشر صحبت کرده اند. مجری دیگر این جلسات مرکز بین المللی برای اختلافات غیرخشونت آمیز بود. (۳۹) از نظر امریکاییها با بکارگیری این نوع از مقاومتها غیرخشونت آمیز میتوان رژیم ایران را تضعیف و نهایتاً سرنگون ساخت. (۴۰)

و بالاخره، "انستیتوی جمهوری خواه بین المللی" با دریافت ۱۱۰۰۰۰ دلار میبایست روابط خود را با طرفداران اصلاحات در ایران گسترش دهد. این نهاد طرفداران اصلاحات در ایران را با طرفداران دموکراسی در سایر کشورها آشنا و آنها را بهم متصل میکند. این کار از طریق تقویت مکاتبات و افزایش ظرفیت سازماندهی و ایجاد مهارت و دسترسی به اطلاعات عملی میگردد. لورن دابلو کرنر در روزنامه نیویورک تایمز به صراحت اعلان نمود که ما در طی سالهای گذشته برای ایرانیان برنامه های آموزشی داشته ایم. ایرانیان خارج از کشور با سفرهای آقای گنجی به کشور های مختلف و استقبال این دسته از ایرانیان از وی و امثال اینها با این نوع از فعالیتها آشنا هستند.

همین طور که مشاهده میشود سرمایه جهانی با بکارگیری انواع روش ها، خصوصاً دموکراسی، به جنگ طبقه کارگر جهانی روی آورده است. این خواست که خواست میلیونها سرمایه کوچک و بورژوازی کشور های کمتر توسعه یافته به لحاظ اقتصادی است، بسیار وسوسه انگیز و فریب دهنده است. در این کشورها بخاطر شرایط بسیار ناامن طبقه کارگر، حتی اصلاحات بسیار کوچک میتواند بخش هایی از خود کارگران را با سرمایه همسو سازد. بنابراین چنین شرایطی کار کارگران آگاه به منفعت طبقاتی را سخت و دشوار میسازد. طبقه کارگر در هر شرایطی برای نبرد علیه سرمایه داری راهی جز تکیه بر دانش طبقاتی و تشکل مستقل طبقاتی خود ندارد. طبقه کارگر برای رهایی خود برخلاف سایر اقشار و طبقات که منفعتی در این مناسبات دارند، مجبور است با نفی کامل مناسبات سرمایه داری در همه وجوهش، و نهایتاً با نفی خود به عنوان طبقه، بشریت را از شر این نظام برهاند.

مجید آذری

۸ آپریل ۲۰۰۷

زیرنویس

*- توضیحی کوتاه در مورد نوشته: بخش زیادی از اطلاعات این مقاله مستقیماً از کار ارزشمند آقای مایکل بیکر، یکی از همکاران مجله زد بنت گرفته شده است. برای عامه فهم کردن این کار تحقیقی، در این مقاله سعی شده است که زمینه‌های مختلف نوشته بسط یابد تا خواننده بهتر بتواند به عمق طرح‌ها و برنامه‌های پیچیده سرمایه‌ جهانی در رابطه با ایران پی ببرد. کسانی که بخواهند جدیدتر و فراتر از این نوشته مساله را تعقیب نمایند، میتوانند به منابعی که در انتهای نوشته آورده شده است، رجوع کنند. در مورد شماره گذاری منابع در چند مورد شماره‌ها بطور تسلسلی نیامده‌اند تا خواننده بتواند مستقیماً به منبع مورد نیاز رجوع کند.

الف- سالها پیش رهبر فقید حزب کمونیست کارگری، در مصاحبه با صفا حائری، دولت اسرائیل را دموکراتیک‌ترین دولت خاورمیانه نامید. پس از آن رقابت شدیدی در کمیته مرکزی این سازمان برای مصاحبه با رادیوی اسرائیل درگرفت.

ب- خواننده برای مشاهده اعضای موسس میتواند به منشور این انجمن رجوع کند

پ- هدایت امین کارمند سابق بانک جهانی و مشاور ارشد اتحاد مجاهدین افغان میباشد.

منابع

- 1- Zmag, 15 October, 2006)
- 2- William I. Robinson, A Faustian Bargain: US Intervention in the Nicaraguan Election and American Foreign Policy in the Post-cold War Era Westview Press, 1992),p.146
- 3- Michael Barker, Taking the Risk Out of Civil Society: Harnessing Social Movements and Regulating Revolutions
- 4- Thomas O. Melia, The democracy Bureaucracy: The Infrastructure Of American Democracy Promotion(2005)
- 5- Ignacio Ramonet, Democracy to Order(Le Monde Diplomatique, March (2006)
- 6- According to Laura Rozen, The Revolution Next Time, (Boston Globe, 10 October 2004)

http://www.boston.com/news/globe/ideas/articles/2004/10/10/the_revolution_net_time/; this act” declared that it should be the policy of United States to support regime change for the Islamic Republic of Iran and to promote the transition to a democratic government to replace that regime and would authorize the president to provide assistance to foreign and domestic pro-democracy groups opposed to the non-democratic Government of Iran.”

7- Data on NED funding before 1990 is unavailable on their online grant database.

8- Media Transparency, Grant Detail,

<http://www.mediatransparency.org/grantdetail.php?grantID=3582>

9- According to his Timmerman’s official biography (<http://www.kentimmerman.com/bio.htm>), since 1987 he has “operated Middle East Data project, Inc., a small business that has provided investigative support and policy guidance to government agencies and private companies on three countries.”

10- <http://www.ned.org/dbtw.wpd/textbase/projects-search.htm>

11- http://www.truthout.org/docs_2006/012206A.shtml

12- project for a new American Century, (26 January 1998), <http://www.newamericancentury.org/iraqclintonletter.htm>

13- Laura Rozen, Iran Hawks Recognize (The American prospect, 13 November 2006),

<http://www.prospect.org/web/page.wv?>

Section=root&name=viewweb&articleId=12209

14- <http://www.niacouncil.org/intro.asp>

15- This project is also funded through grants by connect US and the Ploughshare Fund, see <http://www.niacouncil.org/us-iran.asp>

16- Dr Parsi’s doctorate work will be published next year by Yale University Press and its title Treacherous Triangle: The Secret Dealing of Iran, Israel and the United States, see [http:// www.tritaparsi.com/biography.htm](http://www.tritaparsi.com/biography.htm)

- 17- Nemazee's lawyer also built" the case about the relationship between Pirouznia and another pair of stalwart Iran democracy activists: Banadsheh Zand-Bonazzi and Elio Bonnazi." Zand-Bonnazi's father, Siamak Pourzand, is a well-known Iranian Journalist, Intellectual, freedom fighter- and political prisoner of Islamic regime." See Robert Spencer, Kerry's Iranian connection Fights Democracy,(Frontpagemagazine.com, 8 September 2004),
<http://www.frontpage.com/article/readArticle.asp?ID=14977>
- 18- http://www.iranianamericanpac.org/leadership/p_nemazee.shtml
- 19- <http://www.asiasociety.org/about/mission.html>
- 20- http://www.iranianamericanpac.org/leadership/p_nemazee.shtml
- 21- <http://www.american-iranian.org/home.php?mains=2&subs=14>
- 22- <http://learningpartnership.org/about>
- 23- <http://www.fis-iran.org/index.php/about>
- 24- <http://www.ned.org/grants/04programs/web-multi04.html>
<http://mediatransparency.org/grantdetail.php?grantID=1791>
<http://www.mediatransparency.org/granddetail.php?grantID=1790> Brian Whitaker linked Dr. Nafisi to a bevy of neoconservatives in his article, Conflict and Catchphrases (Gurdian Unlimited, 24 February 2003)
- 25-<http://www.learningpartnership.org/about/board#council> also involved with and the International League for Human Rights
- 26-<http://www.wmd.org/>
- 27- <http://globalfundforwomen.org/1team/team-board.html>
- CHECK
- 28- http://studentaffairs.depaul.edu/minisrty/via_oct31.html
- 29- http://www.export.gov/afghanisttan/pdf/minister_bios.pdf
- 30- <http://www.abfiran.org/english/foundation.php>
- 31- <http://www.abfiran.org/englishfoundation.php>

- 32- http://www.vitalvoices.org/englishDesktopDefault.aspx?page_id=9
- 33- <http://iwa.org/>
- 34- <http://rightweb-irc-online.org/groundwatch/usip.php>; Richard Hatch and Sara Diamond, Operation Peace Institute, (Zmag, July/Aug 1990)
- 35- <http://rightweb.irc-online.org/groupwatch/usip.php>
- 36- Kim Scipes, AFL-CIO in Venezuela: Déjà vu all over again, (Labor Notes, 2004), <http://www.labornotes.org/archives/2004/04/articles/e.html>;
Kim Scipes, An Unholy Alliance: The AFL-CIO and the National Endowment for Democracy(NED) in Venezuela, (Zmag, 2005)
<http://www.zmag.org/content/showarticle.cfm?sectionID-19&itemID=8268>
- 37- Steven R. Weisman, U.S. program is directed at Alternative Iran's Politics, (New York Times, 15 April 2006), <http://www.iri.org/newsarchive/2006/2006-04-15-News-NYT-Iran.asp>
- 38- Annon, Inside the US's Regim-change School, (Asia Times, 14 March 2006), http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/HC14Ak04.html
- 39- KS, Serbian Regime Topplers Share Know-How, (Agence France Press, 2 October 2005).
- 40- Annon, Inside the US's Regime-change School; for further details on the International center on Nonvoilent Conflicts see, Jonathan Mowat, the Coup plotters(Online Journal, 17 March 2005), http://onlinejournal.org/Special_Reports/031905Mowat-1/031905Mowat-3/031905mowat-3.html
- 41- Laura Rozen, U.S. Moves to Weaken Iran(New York Times, 19 April 2006), <http://www.informationclearinghouse.info/article13111.htm>; Guy Dinmore, US and UK Develop Democracy Strategy for Iran, Financial Times, 21 April 2006),

Howard Lafranchi, A Bid to Foment Democracy in Iran, (Christian science Monitor, 17 February 2006), <http://www.csmonitor.com/2006/0217/p03s03-usfp.html>;

Farah Stockman, Rice wants Funds for Democracy Initiative in Iran, (The Boston Globe, 9 March 2006), Farah Stockman, Iran Tension Rise, (The Boston Globe, 9 March

42- Menjamin Isakhan, Re-thinking Middle Eastern Democracy: Lessons from Ancient Mesopotamia, Reffered paper presented to Austaralian Political Studies Association Conference, (University of Newcastle, 25-27 September 2006)

43- Robert R. McChesney, Corporate Media and the Threat to Democracy, (Seven Stories Press, 1997, p.71